

مواجهه دو دیدگاه حقوقی: تحلیلی بر تعامل و تقابل جمهوری اسلامی ایران با شورای حقوق بشر سازمان ملل

علی امیدي^{۱*}، حسن پوربافرانی^۲، ایمان پورعلی^۳

چکیده

سازمان ملل متحد دارای نهادهای گوناگون در زمینه حقوق بشر است که شورای حقوق بشر جزء مهم‌ترین آنها به‌شمار می‌رود. عملکرد این نهاد، تأثیر فراوانی بر نحوه رفتار و روابط بین کشورها در صحنه بین‌الملل داشته است و برخی دولت‌ها توسط این نهاد به‌عنوان ناقضان حقوق بشر معرفی شده‌اند. این نهاد حسب اختیاراتی که دارد، وضعیت حقوق بشر در تمامی دولت‌ها را با سازوکارهایی چون گزارشگر ویژه و بررسی ادواری حقوق بشر تعقیب می‌کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نوع رابطه‌ای که بین دو طرف ایران و شورای حقوق بشر در این سالیان حکمفرما بوده، برگرفته از دو عامل است: عامل اول، اغراض سیاسی دولت‌های عضو و تأثیرگذار این نهاد نسبت به وضعیت حقوق بشر در ایران و عامل دوم برگرفته از تفاسیر متفاوت از تعارض قوانین جمهوری اسلامی ایران با میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر در مواردی چون اقلیت‌ها، جرایم سیاسی، آزادی بیان و عقیده، شکنجه، مجازات اسلامی و غیره است که موجب تفاوت و تعارض در دیدگاه‌ها شده است. این تحقیق اغلب روی عامل دوم متمرکز است.

واژگان کلیدی

جمهوری اسلامی ایران، حقوق بشر، شورای حقوق بشر، شکنجه، مجازات شرعی.

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول). Email: al.omidi@gmail.com
۲. دانشیار گروه حقوق، دانشگاه اصفهان. Email: hpoorbafrani@yahoo.com
۳. دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه اصفهان. تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۹/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۰۶

مقدمه

حقوق بشر اکنون در کنار مسائل اقتصادی و امنیتی، یکی از مسائل مهم و کلیدی در نظام بین‌الملل به‌شمار می‌رود و نقض یا بهبود آن توسط کشورها تأثیر فراوانی بر افکار عمومی جهان می‌گذارد که حتی ممکن است به تیرگی یا گسترش روابط بین کشورها منجر شود. به همین منظور سازمان ملل در همان ابتدای تشکیل، تصمیم به ایجاد سازوکارهایی گرفت که مانع از نقض این حق اساسی تمامی انسان‌ها شود. سازوکارهای سازمان ملل متحد برای حمایت از حقوق بشر به دو دسته تقسیم می‌شود: سازوکارهای مبتنی بر معاهدات موضوعی حقوق بشر؛ سازوکارهای مستقل از معاهدات خاص. نهادهایی چون کمیسیون حقوق بشر (که از ۱۶ ژوئن ۲۰۰۶ رسماً منحل و شورای حقوق بشر جایگزین آن شد)، شورای امنیت سازمان ملل متحد و کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل در زمره سازوکارهای دوم به‌شمار می‌آیند (The UN Website, 2016: Protect Human rights).

یکی از کشورهایی که طی سال‌های گذشته نحوه تعامل آن چه با کمیسیون و چه با شورا، همیشه با چالش همراه بوده، جمهوری اسلامی ایران است. تقریباً هر ساله به‌جز چند سال پایان کار کمیسیون و سال‌های آغازین شروع به فعالیت شورا همواره مسئله حقوق بشر در ایران یکی از مسائل مهم و مورد بحث جلسات این نهادها بوده و تاکنون چهار گزارشگر ویژه برای بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران از سوی کمیسیون حقوق بشر و شورای حقوق بشر انتخاب شده است. این نحوه تعامل سبب شده که هر ساله قطعنامه‌ای از سوی کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی ایران در خصوص مسئله حقوق بشر صادر شود. سؤال اصلی مقاله این است که دلایل حقوقی منفی بودن بیشتر تصمیمات شورای حقوق بشر نسبت به وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران چیست؟

فرضیه مقاله این است که دیدگاه‌های متفاوت در موضوعات حقوقی و همچنین برخی ابهامات حقوقی در قوانین ایران در مواردی چون اقلیت‌ها، جرایم سیاسی، آزادی بیان و عقیده، شکنجه، مجازات اسلامی و غیره به واگرایی سیاسی-حقوقی بین جمهوری اسلامی ایران و نهادهای حقوق بشری، از جمله شورای حقوق بشر منجر شده است؛ ولی می‌توان با تعامل سازنده و اصلاح قوانین تا حدی که ظرفیت‌های نظام حقوقی ایران که مبتنی بر اسلام است اجازه می‌دهد، از درجه این واگرایی کاست.

مقاله حاضر بیشتر بر گزارش‌های گزارشگران ویژه شورای حقوق بشر و بررسی ادواری جهانی حقوق بشر (UPR) متمرکز و مبتنی است.

شورای حقوق بشر و جمهوری اسلامی ایران

مجمع عمومی پس از نشست‌ها و گفت‌وگوهای فراوان در هفتاد و دومین نشست خود در ۱۵ مارس ۲۰۰۶ با رأی موافق ۱۷۰ کشور^۱ و ۴ رأی مخالف (آمریکا، اسرائیل، پالائو و جزایر سلیمان) و ۳ رأی ممتنع (جمهوری اسلامی ایران، ونزوئلا و بلاروس) تشکیل شورای حقوق بشر^۲ را با صدور قطعنامه A/60/251 به تصویب رساند. براساس قطعنامه تشکیل شورای حقوق بشر، انتخاب اعضای شورای جدید حقوق بشر در ۹ مه ۲۰۰۶ صورت پذیرفت و نشست افتتاحیه این شورا در ۱۹ ژوئن ۲۰۰۶ برگزار و انحلال کمیسیون حقوق بشر در ۱۶ ژوئن ۲۰۰۶ رسماً اعلام شد (General Assembly Press Release 72nd Meeting: 15 March 2006).

شورای حقوق بشر برای از بین بردن ضعف‌های کمیسیون حقوق بشر تشکیل شده است؛ به همین منظور سعی شده در ساختار این شورا ضعف‌ها به نحو احسن رفع شوند تا موجب بهبود وضعیت حقوق بشر در سطح جهان شود. از لحاظ ساختاری اعضای شورا مانند کمیسیون از دولت‌ها تشکیل می‌شود، اما در شورای حقوق بشر شرایطی برای عضویت در نظر گرفته شده و برخی سازوکارهای ساختاری نیز پیش‌بینی شده است که در کمیسیون وجود نداشت. این تفاوت‌های ساختاری از میزان تشریفات بودن آن کاسته است (A/60/251).

تعامل جمهوری اسلامی ایران با شورای حقوق بشر از زمان تشکیل این شورا در مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۵ مارس ۲۰۰۶ شروع می‌شود. جمهوری اسلامی ایران یکی از کشورهایی بود که در جلسات و نحوه تشکیل شورا حضور داشت و در اجلاس سران در سال ۲۰۰۵ برای ایجاد شورای حقوق بشر به اجماع جهانی پیوست. با این حال ایران که در روز رأی‌گیری برای تشکیل شورای حقوق بشر در مجمع عمومی سازمان ملل حضور داشت، به آن رأی ممتنع داد (شیخی، ۱۳۸۹: ۱۵۴).

تعاملات و تقابلات شورای حقوق بشر با ایران اغلب از طریق دو سازوکار صورت گرفته است:
۱. بررسی ادواری جهانی^۳، ۲. گزارشگر ویژه حقوق بشر.

در فوریه ۲۰۱۰ گروه کاری بررسی ادواری جهانی (UPR) که متشکل از ۴۷ کشور عضو شورای حقوق بشر است، گزارش A/HRC/WG.6/7/L.11 خود را در خصوص ایران به جلسه شورا ارسال کرد. وظیفه این گروه کاری که براساس قطعنامه شماره 5/1 مورخ ۱۸ ژوئن ۲۰۰۸ به تصویب شورای حقوق بشر رسیده، بررسی دوره‌ای وضعیت حقوق بشر در تمامی کشورهای

۱. کشورهای جمهوری آفریقای مرکزی، کره شمالی، کریباتی، گرجستان، گینه استوایی، لیبیا و نائورو در این اجلاس حضور نداشتند.

2. Human Rights Council
3. Universal Periodic Review

جهان است (A/HRC/14/12). یو. پی. آر. سازوکاری مکمل برای سایر روش‌های بررسی حقوق بشر است که با تأکید بر نگاه فنی و از نظر تئوریک به دور از جهت‌گیری‌های سیاسی است. در یو. پی. آر تمامی ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل، در یک دوره چهارساله (مرحله دوم چهار سال و نیمه) ارزیابی می‌شوند تا میزان پایبندی آنها به حقوق بشر بر مبنای اسناد بین‌المللی و نیز تعهداتی که پذیرفته‌اند، مشخص می‌شود و در موارد نقض حقوق بشر، توصیه‌هایی از جانب سایر کشورها به عمل می‌آید که در صورت پذیرش آنها، در دوره بعد بررسی ادواری، باید میزان پایبندی و عمل به آن توصیه‌ها مشخص شود. روند بررسی هر کشور بر پایه اسنادی است که توسط: ۱. خود کشور مورد بررسی (گزارش ملی)، ۲. اطلاعات موجود در گزارش رویه‌های ویژه سازمان ملل، نهادهای مبتنی بر معاهدات حقوق بشری، کمیساریای عالی حقوق بشر و سایر نهادهای سازمان و ۳. عوامل ذی‌نفع جامعه مدنی از جمله سازمان‌های غیردولتی و فعالان حقوق بشر ارائه می‌شود. (Charlesworth & Larking, 2015: 1-23).

در اولین دور بررسی ادواری وضعیت حقوق بشر ایران که در فوریه ۲۰۱۰ برگزار شد، ۵۱ کشور ۲۱۲ توصیه به ایران ارائه کردند که از این میان تهران با پذیرفتن ۱۲۶ توصیه خود را متعهد به اجرای آنها کرد. در دور دوم بررسی ادواری وضعیت حقوق بشر ایران که در نوامبر ۲۰۱۴ برگزار شد، ۱۰۸ کشور از اعضای سازمان ملل در این روند اعلام موضع کردند و در نهایت ۱۰۴ کشور از مناطق مختلف دنیا، ۲۹۱ پیشنهاد به جمهوری اسلامی ارائه دادند (Report of the Working Group on the Universal Periodic Review 2014). ایران چند ماه وقت خواست که به ابهامات و سؤالات مطروحه در اجلاس ۲۰۱۴ پاسخ گوید. همچنین در این نشست، کشورهای مختلف اجرایی شدن توصیه‌های پذیرفته‌شده از سوی ایران و تغییرات اعمال‌شده در وضعیت حقوق بشر کشور را بررسی کردند. هم در اجلاس ۲۰۱۰ و هم ۲۰۱۴ بررسی ادواری حقوق بشر، مهم‌ترین اختلافات دو طرف در خصوص مصداق و نحوه رفتار با اقلیت‌ها (بهاییان)، تبعیض علیه زنان، جرم سیاسی (زندانیان سیاسی)، آزادی بیان و عقیده، شکنجه، مجازات اسلامی (بدنی) و آمار بالای اعدام در ایران بود (سند شورای حقوق بشر: A/HRC/WG.6/7/L.11).

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال‌های گذشته قطعنامه‌هایی علیه جمهوری اسلامی ایران تصویب کرده که در آنها نسبت به وضعیت حقوق بشر ابراز نگرانی شده بود و از دبیر کل خواسته است به این مسئله رسیدگی کرده و گزارشی از آن را به اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در سال بعد ارسال کند.^۱ این امر سرآغاز روندی بود که با فشارهای غرب به انتخاب گزارشگر ویژه برای ایران از سوی شورای حقوق بشر منجر شد. دبیر کل پس از تحقیقات و بررسی، گزارش‌هایی از وضعیت حقوق بشر را شامل وضعیت اعدام‌ها، حقوق زنان، وضعیت

1. A/60/171 , A/61/176 , A/62/168 , A/63/191 , A/64/176 , A/65/226.

آزادی بیان و مواردی دیگر از این دست، به مجمع عمومی فرستاد.^۱ در سال ۲۰۱۰ مجمع عمومی از دبیر کل درخواست کرد گزارش موقتی از وضعیت حقوق بشر در ایران را برای اجلاس آینده شورای حقوق بشر ارسال کند (A/65/226).

در جلسه ۲۴ مارس ۲۰۱۱ شورای حقوق بشر مسئله نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران در دستور کار شورا قرار گرفت. در این جلسه گزارش موقت دبیر کل سازمان ملل (A/HRC/16/75) در خصوص وضعیت حقوق بشر در یک سال اخیر ایران ارائه شد. پس از آن کشورها به بیان دیدگاه‌های خود در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران پرداختند؛ آمریکا و سوئد خواستار صدور قطعنامه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران بودند و همراه چند کشور دیگر دلایل خود را برای این اقدام بیان کردند. همچنین چند کشور از جمله پاکستان و چین به حمایت از ایران و در مخالفت با این قطعنامه سخنرانی کردند. سپس نماینده جمهوری اسلامی ایران به ارائه دفاعیات خود از وضعیت حقوق بشر در ایران و انتقاد از بنیان قطعنامه پرداخت. در پایان جلسه شورای حقوق بشر، قطعنامه ۱۶/۹ با ۲۲ رأی موافق^۲، ۱۴ رأی ممتنع^۳ و ۷ رأی منفی^۴ به تصویب رسید.^۵ در این قطعنامه ضمن ابراز نگرانی از وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران مقرر شد که یک گزارشگر ویژه برای بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران تعیین شود. نیز مقرر شد گزارشگر وظیفه دارد گزارش موقتی را در این خصوص به اجلاس شصت و هشتم مجمع عمومی سازمان ملل و گزارش کاملی را به اجلاس نوزدهم شورای حقوق بشر ارسال کند. نیز از جمهوری اسلامی ایران درخواست شد همکاری کاملی با گزارشگر ویژه داشته باشد (A/HRC/16/9).

شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد طی اجلاس هفدهم خود در ۱۷ ژوئن ۲۰۱۱، وزیر امور خارجه سابق مالدیو آقای "احمد شهید" را به‌عنوان گزارشگر ویژه وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران منصوب کرد (The Human Rights Council resolution A/HRC/16/9).

آقای شهید در شروع فعالیتش در آگوست ۲۰۱۱ با ارسال پیامی به جمهوری اسلامی ایران خواستار همکاری بیشتر این کشور در راستای بررسی دقیق‌تر خود از وضعیت حقوق بشر در ایران شد و حتی تمایل داشت که به ایران سفر کند؛ اما مسئولان ایرانی تمایلی به همکاری از

1. A/63/459 , A/64/357 , A/65/370.

۲. کشورهای آرژانتین، اسپانیا، اسلواکی، اوکراین، آمریکا، انگلستان، برزیل، بلژیک، مولداوی، زامبیا، ژاپن، سنگال، سوئیس، شیلی، فرانسه، کره جنوبی، گواتمالا، لهستان، مالدیو، مجارستان، مکزیک و نروژ.

۳. کشورهای اردن، اوگاندا، اروگوئه، بحرین، بورکینافاسو، تایلند، جیبوتی، عربستان سعودی، غنا، کامرون، گابن، مالزی، موریتس و نیجریه.

۴. کشورهای اکوادور، بنگلادش، پاکستان، جمهوری خلق چین، روسیه، کوبا و موریتانی.

۵. در این جلسه لیبی به دلیل تعلیق عضویت حضور نداشت.

خود با ایشان نشان نمی‌دادند و هیچ‌گونه اجازه‌ای هم به احمد شهید برای سفر به ایران داده نشد (A/66/374).

احمد شهید، گزارشگر ویژه وضعیت حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران، براساس قطعنامه ۱۶/۹ شورای حقوق بشر، اولین گزارش خود را که یک گزارش مقدماتی در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران بود، در ۱۵ اکتبر ۲۰۱۱ به نشست شصت و ششم مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه کرد. آقای شهید برای تهیه این گزارش پیام‌هایی را برای دولت ایران فرستاد، اما مسئولان جمهوری اسلامی ایران هیچ همکاری در این زمینه با وی انجام ندادند و او در تهیه گزارش بیشتر از منابع غیررسمی مانند نهادها و سازمان‌های مخالف ایران استفاده کرد. محتوای گزارش نکات منفی فراوانی در مورد وضعیت روزنامه‌نگاران، فعالان سیاسی، آزادی بیان و مذهب و شکنجه بود. در پایان این گزارش از ایران خواسته شده بود با گزارشگر ویژه برای تهیه گزارش دقیق‌تر همکاری کند (A/66/374).

در اجلاس شصت و ششم مجمع عمومی گزارشی از سوی دبیر کل سازمان ملل که براساس قطعنامه ۶۵/۲۲۶ مجمع عمومی از او درخواست شده بود گزارشی از وضعیت حقوق بشر در ایران را برای این اجلاس ارسال کند، ارائه شد. محتوای گزارش انتقادهای فراوانی را متوجه ایران کرد و به نوعی تأیید گزارش احمد شهید از وضعیت حقوق بشر در ایران بود. البته در گزارش نکات مثبتی هم وجود داشت، از جمله تحسین امضای پروتکل اختیاری حقوق کودک در زمینه درگیری کودکان در منازعات مسلحانه در سپتامبر ۲۰۱۰ از سوی جمهوری اسلامی ایران و برگزاری اجلاس قضایی مشترک با دفتر کمیساری عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد در دسامبر ۲۰۱۰ (A/66/361). بعد از ارائه گزارش‌ها و در پایان جلسه مجمع عمومی، قطعنامه‌ای از سوی مجمع علیه جمهوری اسلامی ایران به تصویب رسید که خواستار همکاری بیشتر ایران در زمینه حقوق بشر و از بین بردن انتقادهای وارد شده بود و از دبیر کل می‌خواست یک سال دیگر به بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران بپردازد (A/66/175).

احمد شهید گزارش کامل خود در خصوص وضعیت حقوق بشر در ایران را در ۱ آگوست ۲۰۱۱ (۱۳ اسفند ۱۳۹۰) برای شورای حقوق بشر ارسال کرد. این گزارش اتهامات متعددی در خصوص نقض حقوق بشر به ایران وارد کرد (A/HRC/19). در جلسه شورای حقوق بشر گزارشی هم از سوی دبیر کل سازمان ملل در خصوص وضعیت حقوق بشر در ایران ارائه شد که علاوه بر بیان نکات منفی دیگری در مورد ایران، از تهران خواست تا با گزارشگران حقوق بشر و همچنین نهادهای حقوق بشری همکاری‌های بیشتری داشته باشد (A/HRC/19/82).

سومین گزارش احمد شهید در مورد وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران در ۱۱ اکتبر ۲۰۱۲ (۲۰ مهر ۱۳۹۱) به اجلاس شصت و هفتم مجمع عمومی فرستاده شد. این گزارش در شش بخش تنظیم شده بود که بخش اول و دوم به ترتیب به مقدمه و روش‌شناسی و سه

بخش سوم تا پنجم به بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران و بخش آخر نیز به نتیجه‌گیری و طرح پیشنهاد اختصاص داشت. در بخش مربوط به وضعیت حقوق بشر در ایران به مواردی مانند ۱. حقوق مدنی و سیاسی (آزادی بیان، آزادی گردهمایی و تشکل‌ها، آزادی دین، اجرای عدالت)، ۲. حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (فعالان کارگری، اقلیت‌های نژادی)، ۳. حقوق کودک پرداخته شد؛ این گزارش هم مثل دو گزارش قبلی بیشتر به موارد و نکات منفی تأکید داشت (A/67/369). در این اجلاس، گزارش سالیانه‌ای از وضعیت حقوق بشر در ایران وفق قطعنامه A/66/175 مجمع عمومی به این نهاد ارائه شد و در آن گزارش‌های احمد شهید در خصوص نقض حقوق بشر در ایران تأیید شد (A/67/327).

پس از انتشار سومین گزارش احمد شهید در خصوص وضعیت حقوق بشر در ایران، وزارت امور خارجه ایران برای اولین بار با صدور بیانیه‌ای به این گزارش پاسخ داد. در این بیانیه با اشاره به پاسخ مشروح و رسمی جمهوری اسلامی ایران که در تاریخ مقرر به نامبرده تحویل شده، آمده است: "براساس آیین‌نامه شورای حقوق بشر که مربوط به نحوه تهیه گزارش توسط گزارشگران سازمان ملل متحد می‌باشد، گزارش باید حاوی مشخصاتی مبتنی بر رعایت اصول بی‌طرفی، مستند بودن ادعاها، پرهیز از سیاسی کردن آن و تخصصی و فنی بودن گزارش باشد، که متأسفانه نه تنها اصول اولیه بر حسب مقررات و رویه‌های بین‌المللی رعایت نگردیده بلکه محتوای گزارش نیز حاوی مطالب تکراری و مغرضانه بوده است و کاملاً سیاسی می‌باشد" (به نقل از سایت‌های فارسی و انگلیسی احمد شهید، ۲۰۱۲).

طی سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ نیز روند گزارش‌های احمد شهید به صورت مستمر برای اجلاس شورای حقوق بشر و همچنین مجمع عمومی سازمان ملل متحد ادامه داشته است که در این گزارش‌ها از لحاظ محتوایی نسبت به گزارش‌های سابق تغییر جدی صورت نگرفت و روند اتهام‌های سابق نسبت به دولت جمهوری اسلامی ایران در خصوص وضعیت نقض حقوق بشر در این کشور همچنان ادامه یافت (A/HRC/22/56, A/68/503, A/HRC/25/61). تا سال ۲۰۱۴، بعد از هر گزارشی که آقای شهید تهیه و ایشان به شورای حقوق بشر ارسال می‌کرد یا از طریق دبیر کل سازمان ملل به مجمع عمومی ارسال می‌شد، این نهادها قطعنامه‌هایی علیه وضعیت نقض حقوق بشر در ایران صادر کردند و از تهران خواستند با گزارشگر ویژه همکاری‌های لازم در راستای بهبود وضعیت حقوق بشر را به عمل آورد (A/RES/67/182, A/HRC/22/23, A/RES/68/184, A/HRC/25/24).

اما آخرین این نوع گزارش‌ها (تا زمان تدوین مقاله حاضر)، گزارش اکتبر ۲۰۱۵ احمد شهید است که محتوای آن نشان می‌دهد که رویکرد تقابلی طرفین (ایران و شورای حقوق بشر سازمان ملل) کمی تعدیل شده و ایران از سال ۲۰۱۴ و به خصوص ۲۰۱۵ روند تعاملی (هرچند خیلی کند) را با گزارشگر ویژه و شورای حقوق بشر در پیش گرفته است. با این وصف، احمد

شهید معتقد است در دولت آقای روحانی نیز وضعیت حقوق بشر در ایران بهبود نیافته است. گزارش اکتبر ۲۰۱۵ از شش بخش شامل مقدمه، حقوق مدنی و سیاسی، حقوق زنان، اقلیت‌های قومی، اقلیت‌های مذهبی و نتیجه‌گیری تشکیل شده است. در این گزارش هرچند در مورد بهبود وضعیت حقوق بشر در دوره پساتحریم ابراز امیدواری شده است، کماکان گزارش مزبور اتهامات سابق خود را مبنی بر بالا بودن مجازات اعدام (به‌خصوص در مورد قاچاقچیان مواد مخدر)، محدودیت‌های آزادی بیان، حبس زندانیان سیاسی با عنوان اتهام امنیتی، تبعیض علیه حقوق زنان، نقض حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی تأکید کرده است. در این گزارش، اقدامات مثبت ایران مانند مشارکت در یو پی آر و پذیرش بخش اعظم توصیه‌ها (۱۳۰ از ۲۹۱ توصیه) و همکاری با گزارشگر ویژه از جمله اجلاس مشترک احمد شهید با نمایندگان دولت ایران در سپتامبر ۲۰۱۵ تحسین شده است. ولی کماکان پرونده ایران را از نظر نقض حقوق بشر سنگین می‌داند (به نقل از سایت‌های فارسی و انگلیسی احمد شهید، ۲۰۱۵).

در پاسخ به گزارش ۲۰۱۵ احمد شهید، ایران برای دومین بار (اولین آن در مارس ۲۰۱۳) پاسخ مفصل، دقیق و مستند به شورای حقوق بشر ارسال کرده و تقریباً همه اتهامات احمد شهید غیر از اینکه شورای نگهبان در بررسی صلاحیت کاندیداها در موارد معدود ممکن است استناد قانونی ارائه نکند، رد کرده است. پاسخ ایران همچنین مواضع قوه قضاییه را در خصوص آمار اعدام، متهمان سیاسی-امنیتی، وضعیت آزادی بیان، حقوق زنان و حقوق اقلیت‌های قومی-مذهبی بیان کرده و منابع اطلاعات آقای شهید را نادرست و ناشی از سوءتفاهم به دلیل تفاوت نظام حقوقی ایران با غرب قلمداد کرده است (به نقل از سایت‌های فارسی و انگلیسی احمد شهید، ۲۰۱۵).

به‌طور کلی، دولت ایران در رد بسیاری از اتهامات گزارشگر ویژه که در پاسخ رسمی به گزارش اکتبر ۲۰۱۵ گزارشگر ویژه و سخنرانی بیست‌ودومین اجلاس شورای حقوق بشر (۲۰۱۳) توسط محمدجواد لاریجانی دبیر حقوق بشر قوه قضاییه در ژنو ارائه شد، به شرح زیر است:

۱. کل فرایند بررسی وضعیت حقوق بشر و اتهامات واردشده به ایران با اغراض منفی سیاسی با تحریک کشورهایی مانند آمریکا صورت می‌گیرد؛
۲. گزارشگر ویژه اطلاعات خود را از منابع غیرقابل اعتماد به‌دست می‌آورد؛
۳. با توجه به رویکرد نسبیست فرهنگی، از آنجا که ایران کشوری اسلامی بوده و قوانین آن بر پایه اسلام است، از این رو نمی‌تواند برخی موارد اتهامی را به‌عنوان نقض حقوق بشر قبول کند؛
۴. برخی اتهامات مانند نقض حقوق همجنس‌گرایان در مورد ایران موضوعیت ندارد، زیرا ایران متعهد به هیچ سند بین‌المللی در این زمینه نبوده است تا آن را نقض کرده باشد؛
۵. مهم‌ترین نقض حقوق بشر از سوی تحریم‌کنندگان ایران صورت گرفته که هیچ‌وقت آنها

در گزارش‌ها مورد عتاب قرار نگرفته‌اند (سخنرانی محمدجواد لاریجانی در اجلاس ۲۲ شورای حقوق بشر، در: سایت فارسی احمد شهید مورخ اسفند ۱۳۹۱ و همچنین شادان: ۱۳۹۳).

برخی از موارد اساسی تقابل حقوقی شورای حقوق بشر با ایران

در گزارش‌ها و انتقادهایی که توسط گزارشگر ویژه حقوق بشر، دبیر کل سازمان ملل و کارگروه یو. پی. آر. در خصوص وضعیت حقوق بشر در ایران ارائه شده، موارد مشابهی وجود دارد که در ذیل پنج مورد اصلی و استنباط متفاوت طرف ایرانی نسبت به آنها بررسی می‌شود.

۱. اقلیت‌های مذهبی

هم در گزارش‌های متعدد احمد شهید و هم در دیدگاه‌های انتقادی یو. پی. آر. به نحوه برخورد ایران با اقلیت‌ها، به خصوص بهایی‌ها انتقاد شده است (سند شورای حقوق بشر: A/HRC/WG.6/7/L.11). به خصوص اینکه گزارشگر ویژه (احمد شهید) در گزارش‌های مختلف خود در مورد ایران، به این مسئله به صورت پیوسته و ویژه توجه کرده است و به صورت مشخص در آخرین گزارش ارسالی‌اش به اجلاس شصت‌ونهم مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۴، بندهای ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶ گزارش خود را به نحوه رفتار جمهوری اسلامی ایران با بهاییان اختصاص داده است (ر.ک: سایت احمد شهید: shaheedoniran.org). همچنین در اجلاس ۲۰۱۰ یو. پی. آر. در خصوص ایران، چهار توصیه از توصیه‌های مذکور به‌طور اخص در مورد برخورد ایران با جامعه بهایی بود. به نظر می‌رسد هم در تعریف و هم مصداق اقلیت بین ایران و شورای حقوق بشر اختلاف نظر باشد (Baha'i International Community, 2014).

ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که دولت ایران به آن ملحق شده، به صورت مشخص از اقلیت‌های مذهبی، نژادی و قومی نام برده است. در این ماده آمده است: "در کشورهایی که اقلیت‌های نژادی، مذهبی یا زبانی وجود دارد، اشخاصی را که متعلق به این اقلیت‌ها هستند نمی‌توان از حق تشکیل اجتماعات با اعضای گروه خود و بهره‌مندی از فرهنگ و اظهار و انجام و تکلم زبان خودشان محروم کرد". این ماده مبنای اصلی بررسی وضعیت حقوقی اقلیت‌های مذهبی در کشورهای مختلف است.

در ماده ۱ اعلامیه دربارهٔ محو همه اشکال نارواداری و تبعیض مبتنی بر دین یا اعتقاد که در ۲۵ نوامبر ۱۹۸۱ توسط مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شد، ذکر شده است: "هر کس حق دارد از آزادی اندیشه و مذهب برخوردار باشد؛ که این حق آزادی و ابراز عقیده و مذهب به صورت فردی یا جمعی، چه به نحو آشکار یا پنهانی از طریق انجام آیین مذهبی و آموزش

مذهب است". در ماده ۲ این اعلامیه ذکر شده است "که هیچ کس را نباید به صورتی تحت فشار قرار داد که آزادی عقیده و مذهبی که به اختیار برگزیده، خدشه دار شود".

در ماده ۱ اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا مذهبی و زبانی که در سال ۱۹۹۲ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید، به صورت مشخص آمده است: "دولت‌ها در قلمرو خویش از هویت قومی، فرهنگی، مذهبی و زبانی اقلیت‌ها حمایت کرده و شرایط را برای رشد این اقلیت‌ها فراهم کنند. همچنین دولت‌ها باید تدابیر لازم را برای رسیدن به این هدف فراهم سازند". البته باید متذکر شد که این دو هنوز در سطح اعلامیه باقی مانده و به معاهده تبدیل نشده‌اند تا برای کشورها تعهدات الزام‌آور ایجاد کنند.

موارد مذکور نحوه نگرش و تعاریف حقوقی نهادهای بین‌المللی را نسبت به حقوق اقلیت‌های مذهبی بیان می‌کند؛ اما در اینجا باید نوع نگاهی را که قوانین ایران نسبت به این مورد دارند، بیان کنیم تا اختلافات حقوقی میان دو طرف روشن‌تر شود.

در اصل ۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صورت مشخص اقلیت‌های مذهبی احصا شده است: "ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند".

در اصل ۱۴ قانون اساسی "بر اساس آیه شریفه (لا ینهاکم الله عن الدین لم یقاتلکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین) دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظف‌اند نسبت به غیرمسلمانان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل کرده و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی توطئه و اقدام نکنند". در اصل ۲۳ قانون اساسی آمده است: "تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد".

همان‌طور که مشخص است قوانین جمهوری اسلامی ایران از لحاظ توجه به مسائل حقوق اقلیت‌های مذهبی وجوه مشترکی با اعلامیه‌ها و میثاق‌های بین‌المللی دارد، اما به صورت مصداقی، در دو مورد با هم اختلاف بیشتری دارند؛ یکی در مورد مسئله ترک دین در اسلام و دیگری در مورد مسئله بهائیت (Mayers, 1999: 177-198). در ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر ذکر شده است: "هر کس حق دارد از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند شود. این عقیده متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان می‌باشد و نیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است. هر کس می‌تواند از این حقوق به صورت فردی یا جمعی چه خصوصی یا چه عمومی برخوردار باشد". اما از نظر اسلام ترک دین موجب ارتداد می‌شود، هر چند قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۵ و ۹۲ و سایر قوانین به صورت مشخص اشاره‌ای به این اقدام نکرده و

در مقابل آن سکوت کرده‌اند و بر این اساس بسیاری از حقوقدانان با توجه به اصل قانونی بودن مجازات که مورد تصریح اصل ۳۶ قانون اساسی قرار دارد، چنین عملی را در حقوق ایران فاقد وصف کیفری می‌دانند (حبیب‌زاده و محقق داماد، ۱۳۷۴: ۴۰-۲۰؛ اردبیلی، ۱۳۷۰: ۱۴۱-۱۴۰)، اما اصل ۱۶۷ قانون اساسی راه را تا حدودی برای توسل به نظر مخالف باز می‌کند. براساس این اصل: "قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌توان به بهانه سکوت یا نقض یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد". همان‌طور که پیداست نبود قانون مشخصی در این زمینه حداقل در تئوری برای قاضی اختیار عمل گذاشته است. ولی عملاً جمهوری اسلامی ایران فردی را به جرم ارتداد محکوم به اعدام نکرده است.

به‌طور معمول پاسخ نمایندگان ایران به مجامع حقوق بشری در خصوص مسئله بهائیت، استناد به اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که در آن به بهائیت به‌عنوان یک دین یا اقلیت مذهبی اشاره‌ای نشده است. پاسخ ایران در یو. پی. آر. و گزارش‌های گزارشگر ویژه این است که عملاً هیچ حقوق و مزایایی را که قانون اساسی ایران برای اقلیت‌های دینی مدنظر قرار داده است، نمی‌توان برای بهایی‌ها در نظر گرفت؛ زیرا این گروه مصداق اقلیت طبق تعریف حقوقی ایران نیست (سندهای شورای حقوق بشر: A/HRC/WG.6/7/L.11).

به‌نظر می‌رسد با توجه به پایبندی عملی دادگاه‌های جمهوری اسلامی ایران به اصل قانونی بودن مجازات‌ها، این مورد با تبیین نمایندگان دولت ایران در خصوص پایبندی قوه قضاییه و دولت ایران به اصل قانونی بودن جرم و مجازات حل‌شدنی است. در عین حال به تعبیر برخی حقوقدانان مصلحت اقتضا دارد مقنن تأکید بیشتری به اصل قانونی بودن جرم و مجازات مبذول داشته و از تصویب قانونی که احتمال خدشه به این اصل را دارد، خودداری ورزد (حبیب‌زاده و محقق داماد، ۱۳۷۴: ۲۰).

۲. شکنجه

هم در گزارش‌های احمد شهید و هم انتقادهای دولت‌ها در دو دوره بررسی ادواری حقوق بشر (یو. پی. آر) درباره ایران، تصویب کنوانسیون منع شکنجه، کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، و معاهده رم (دادگاه کیفری بین‌المللی) و نیز حذف حق شرطی که ایران در مورد کنوانسیون حقوق کودک اعمال کرد، مورد تأکید قرار گرفته است. برخی مجازات‌های اسلامی مانند شلاق، قطع انگشتان و دست سارقان و غیره به‌عنوان مصداق شکنجه تعریف شده که از نظر نمایندگی ایران سوء برداشت به‌دلیل تفاوت دو سیستم قضایی است.

شایان ذکر است که در ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی-سیاسی آمده است: "هیچ‌کس را نمی‌توان مورد آزار و شکنجه یا مجازات‌ها و رفتارهای ظالمانه و غیرانسانی قرار داد. مخصوصاً قرار دادن یک شخص تحت آزمایش‌های پزشکی یا علمی بدون کسب رضایتش ممنوع است". در بند ۲ ماده ۲ کنوانسیون منع شکنجه با صراحت اعلام شده: "هیچ وضعیت استثنایی از هر مورد که باشد اعم از حالت جنگی یا تهدید به آن، عدم ثبات سیاسی داخلی یا هر وضعیت دیگری، نمی‌تواند دلیلی برای انجام شکنجه باشد".

در قوانین جمهوری اسلامی ایران نیز ممنوعیت شکنجه تصریح شده و در اصل ۳۸ قانون اساسی آمده است: "هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت، اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است و متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می‌شود".

به‌منظور احترام به این اصل قانون اساسی و تضمین اجرای آن قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵) در ماده ۵۷۸ مقرر می‌کند: "هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیر قضایی دولتی برای آنکه متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد، فقط دستوردهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به‌واسطه اذیت و آزار فوت کند، مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات قتل را خواهد داشت".

شایان ذکر است با اینکه قانون اساسی تمامی موارد شکنجه چه به‌صورت بدنی و چه روحی را منع کرده، ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ تنها به آزارهای بدنی اشاره کرده و آزارهای روحی و روانی را ذکر نکرده است، احتمالاً قانونگذار با تفسیر متفاوتی از قانون اساسی داشته یا توجهی به آن نداشته است (پوربافرانی، ۱۳۹۲: ۲۳۰). از این‌رو با توجه به مقررات موجود به‌نظر می‌رسد ضروری است قوانینی مطابق با قانون اساسی در این خصوص وضع شود تا با قرار دادن تضمین‌های مناسب از حقوق افراد در برابر شکنجه و اقدامات خودسرانه مأموران دولتی صیانت کند. البته در مبحث شکنجه مشکل به همین جا ختم نمی‌شود. برخی از مجازات‌هایی که در حقوق کیفری ایران اعمال می‌شوند، مثل مجازات رجم یا سنگسار بارها به‌عنوان مصداقی از موارد نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی ایران معرفی شده‌اند. کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸۴ هم که البته جمهوری اسلامی ایران به آن ملحق نشده، این‌گونه مجازات‌ها را مصداقی از شکنجه مدنظر کنوانسیون می‌داند. با وجود این با توجه به حذف مشروط این مجازات در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، احمد شهید گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر در بند ۲۹ گزارش ۱۳ اسفند ۱۳۹۰ خود به آن شورا از این امر استقبال کرده بود. البته این مجازات با توجه به نظر شورای نگهبان در نهایت در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ وارد شد.

در خصوص نحوه تعامل دولت ایران در این خصوص با شورای حقوق بشر در قسمت پنجم (مجازات‌های مستوجب حد و تعزیر) مفصل‌تر صحبت می‌شود.

۳. جرم سیاسی

در میثاق‌های بین‌المللی تعریفی از جرم سیاسی وجود ندارد. هرچند حکومت‌ها و برخی اندیشمندان سیاسی تمایل زیادی به تعریف دقیق جرم سیاسی و به‌خصوص توسعه قلمرو آن ندارند و آن را مغایر دموکراسی می‌دانند، این امر به معنای فقدان جرم سیاسی هم نیست. در واقع، رویه بسیاری از دولت‌ها بر وجود جرم سیاسی صحه می‌گذارد (Ross, 2000). حقوقدانان جرم سیاسی را جرمی می‌دانند که علیه حاکمیت ارتکاب می‌یابد. برخی انگیزه ضد حاکمیتی مجرم را برجسته کرده (نظریه ذهنی) و برخی دیگر هم اثر ضد حاکمیتی جرم (نظریه عینی) را تقویت کرده‌اند (استفانی، ۱۳۷۷: ۲۸۲-۲۸۰؛ هاشمی، ۱۳۷۱: ۱۱۰-۱۰۹). از گذشته تا به حال مزایایی هم برای مجرمان سیاسی در نظر گرفته شده است. از جمله رژیم و آثار متفاوت اجرای مجازات (استفانی و دیگران، ۱۳۷۷: ۲۸۵؛ نجیب حسنی، ۱۹۸۴: ۴۶۶-۴۶۴) و اصل قدیمی و پذیرفته‌شده عدم استرداد در جرایم سیاسی (پوربافرانی، ۱۳۹۳: ۲۱۷). به هر حال مفهوم جرم سیاسی صرف‌نظر از دامنه موسع یا مضیق آن، در حقوق بسیاری از کشورها مثل فرانسه (استفانی و دیگران، ۱۳۷۷: ۲۸۶-۲۷۹) و لبنان (نجیب حسنی، ۱۹۸۴: ۴۶۱) پذیرفته شده است. در ایران پس از گذشت ۳۶ سال از انقلاب اسلامی و با اینکه در قانون اساسی به جرم سیاسی اشاره شده و در اصل ۱۶۸ قانون اساسی ذکر شده است: "رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط و اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون براساس موازین اسلامی معین می‌کند"، برای اولین بار مجلس شورای اسلامی لایحه جرم سیاسی را به تصویب رسانده که تا زمان تدوین مقاله حاضر هنوز به قانون تبدیل نشده است. براساس اصل ۱۶۸ قانون اساسی حداقل سه امتیاز اساسی برای مجرمان سیاسی وجود دارد: ۱. رسیدگی به اتهامات آنها در دادگاه‌های عمومی دادگستری، ۲. رسیدگی به اتهامات آنها با حضور هیأت منصفه و ۳. رسیدگی علنی. این موارد با قیودی در لایحه جرم سیاسی تأیید شده است. جرایمی وجود دارند که براساس هر دو ضابطه عینی و ذهنی (صانعی، ۱۳۷۱: ۴۰۰) جرم سیاسی‌اند و تردیدی در سیاسی بودن آنها نیست؛ مثل جرایم موضوع مواد ۴۹۸ تا ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی، ولی مجرمان آن به دلیل عدم تصویب قانون عادی از مزایای جرم سیاسی برخوردار نیستند. در واقع می‌توان گفت حکم این اصل مهم قانون اساسی عملاً در بخش جرایم سیاسی (نه مطبوعاتی) بر زمین مانده و اجرا نشده است که امید است با تأیید نهایی لایحه مصوب جرم سیاسی توسط شورای نگهبان این خلأ تا حدودی پر شود. جالب آنکه مقنن در

تبصره ۱ ماده ۲۰ اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ که یک قانون شکلی است، مرجع صالح برای رسیدگی به جرایم سیاسی را تعیین کرده است. به موجب این تبصره "...رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و سیاسی ابتدا در دادگاه تجدیدنظر استان به عمل خواهد آمد. دادگاه کیفری استان در رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و سیاسی با حضور هیأت منصفه تشکیل خواهد شد."

در واقع تا اسفند ۱۳۹۴ که مجلس لایحه جرم سیاسی را تصویب کرد، نه تنها در حقوق کیفری ایران تعریفی از جرم سیاسی وجود ندارد و مجرم سیاسی هم از مزایای اصل ۱۶۸ برخوردار نیستند، بلکه با توجه به اینکه مقنن جرایمی مثل جرائم موضوع مواد ۴۹۸ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵) را در فصل جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی ذکر کرده، مرجع رسیدگی به چنین جرایمی هم براساس ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، دادگاه‌های انقلاب که به نوعی دادگاه اختصاصی (نه عمومی) محسوب می‌شوند، می‌باشد. این در حالی است که همان‌طور که گفته شد، اگر به قانون اساسی عمل شود در این خصوص می‌توان شاهد حذف این نمونه‌ها از گزارش گزارشگران ویژه بود.

به هر حال باید توجه کرد که جرم سیاسی موضوع مهمی در قوانین هر دولتی است و فقط با بیان اینکه ما مجرم سیاسی نداریم، نمی‌توان آن را انکار کرد. چون نادیده گرفتن این موضوع عواقبی است دارد، از یک طرف هزینه‌های فعالیت سیاسی در کشور را افزایش می‌دهد و برای دولت مشکل ایجاد می‌کند و از طرف دیگر موجب از بین رفتن حقوق و مزایایی مانند محاکمه علنی و حضور هیأت منصفه و سایر امتیازهایی که متهمان ارتکاب این جرایم نسبت به سایر متهمان دارند، خواهد شد. فقدان قانون مشخص در خصوص جرم سیاسی سبب شده است که نتوان جرایم امنیتی را از جرایم سیاسی تفکیک کرد و این موضوع موجب ایجاد سوء تفاهم‌ها و سوء برداشتهایی از سوی نهادهای حقوق بشری سازمان ملل متحد نسبت به نحوه عملکرد دولت ایران در برخورد با جرایم سیاسی و امنیتی شده است.

۴. آزادی بیان

در دو نشست یو. پی. آر. ۲۰۱۰ و ۲۰۱۴ درباره ایران و همچنین گزارش‌های احمد شهید، بسته شدن مطبوعات و سایت‌های خبری و همچنین فیلترینگ گسترده از سوی دولت ایران به عنوان شواهد نقض حقوق ملت در خصوص آزادی بیان تعریف شده است. هرچند نمایندگی ایران از مبانی آزادی بیان در ایران دفاع کرده و فیلترینگ اینترنت را برای سلامت اخلاقی جامعه ضروری می‌داند، در اینجا هم شاهد تفاوت دو دیدگاه حقوقی و همچنین نقصان‌های حقوقی در طرف ایرانی هستیم.

حق آزادی بیان در اعلامیه‌ها و میثاق‌های حقوق بشری سازمان ملل متحد در چندین ماده

مورد اشاره قرار گرفته است. از جمله در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی این حق برای اشخاص به صورت مشخص ذکر شده است. ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: "هر کس حق آزادی عقیده و بیان را دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود ترس و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات دسترسی داشته باشد".

همچنین در بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ذکر شده است: "هر کس از حق آزادی عقیده و بیان بدون هیچ‌گونه مداخله‌ای برخوردار می‌باشد. این حق مشتمل بر آزادی جست‌وجو، دریافت و رساندن اطلاعات و اندیشه‌ها از هر نوع، خواه شفاهی، کتبی، چاپ یا به هر صورت هنری یا به هر وسیله دیگر فارغ از ملاحظات مرزی می‌باشد".

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت از آزادی بیان و اندیشه ذکری به میان نیامده و فقط در اصل ۲۴ قانون اساسی گفته شده است: "نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون معین می‌کند". این در حالی است که قانون باید به روشنی حق آزادی بیان را برای افراد در نظر گیرد، چون این حق شامل آزادی پس از بیان است که باید امنیت اشخاص را تأمین کرده و از تعرض به حقوق آنها جلوگیری کند.

احمد شهید به صورت مشخص در گزارش مورخ ۱۳ اسفند ۱۳۹۰ خود به نشست نوزدهم شورای حقوق بشر به محدودیت‌های آزادی بیان در ایران پرداخته و موادی از قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵) مثل ماده ۵۰۰ را محدودکننده آزادی بیان دانسته است. به نظر می‌رسد حذف این ماده از قانون مجازات اسلامی که برای اولین بار در تاریخ جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۵ وارد قانون مجازات اسلامی شده و حقوقدانان هم مخالف جرم‌انگاری آن هستند (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۶: ۶۵؛ حبیب‌زاده و موسوی مجاب، ۱۳۸۵: ۱۲۶-۱۲۵)، ضرری عاید نظم عمومی کشور نمی‌کند و راه تعامل ایران را با شورای حقوق بشر فراهم می‌کند.

۵. مجازات مستوجب حد و تعزیر

مجازات‌های مستوجب حد که بخش مهمی از گزارش‌های حقوق بشری به خصوص پیشنهاد‌های دولت‌ها در یو. پی. آر. و گزارش‌های احمد شهید را به خود اختصاص داده‌اند، در قانون جدید مجازات اسلامی (۱۳۹۲) کماکان به قوت خود باقی مانده است. فقط رجم یا سنگسار در قانون جدید مجازات اسلامی (۱۳۹۲) حذف مشروط شد. ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) مقرر می‌دارد: "حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم است. در صورت عدم امکان اجرای رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضائیه چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است و

در غیر این صورت موجب صد ضربه شلاق برای هر یک می‌باشد". بنابراین مجازات رجم از قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ حذف نشده است. بلکه قانونگذار دست قاضی را باز گذاشته است که در صورت عدم امکان اجرای رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضاییه چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد، موجب "اعدام" زانی محصن و زانیه محصنه است و در غیر این صورت موجب صد ضربه شلاق برای هر یک است. با اصلاح این قانون، راه تعامل مثبت با محافل حقوق بشر بین‌المللی فراهم شده است.

اما در خصوص سایر حدود، برخی فقها مانند حاج سید احمد خوانساری و میرزای قمی صاحب جامع‌الشتات اجرای حدود در زمان غیبت را جایز نمی‌دانند و حتی بر آن ادعای اجماع کرده‌اند؛ زیرا در روایات اجرای حدود از وظایف امام (ع) شمرده شده و مقصود از امام نیز امام معصوم (ع) است. ایشان معتقدند حاکم شرع به مقتضای حال می‌تواند کسی را که مستحق حد است، تعزیر کند و استدلال می‌کنند که اقامه حدود از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر نیست تا عمومات و اطلاقات ادله امر به معروف و نهی از منکر شامل آن شود، بلکه اقامه حدود در زمان غیبت از مصادیق ایذا و ایلام بدون مجوز است (نقل از پوربافرانی، ۱۳۹۱: ۷۸). اگر این نظریه ملاک عمل باشد، بحث از حدود هم در زمان غیبت همانند بحث از تعزیرات و مشمول احکام آن بوده و دست حکومت اسلامی در وضع مقررات جزایی متناسب با زمان بازتر خواهد بود؛ چون اختیار وضع مجازات در مورد جرایم تعزیری بنا به تشخیص حاکم است، خود او در مواردی که علم به عدم اثر مجازات تعزیری داشته باشد یا به سبب مصلحت‌های دیگر، می‌تواند از مجازات مجرم صرف‌نظر کند (پوربافرانی، ۱۳۹۳: ۷۹). در این خصوص آیت‌الله موسوی اردبیلی در فتوای شماره ۲۱۸ مورخ ۱۳۷۷/۵/۶ نیز مقرر کرده است: "اگر تعزیر مجرم، مصلحت نباشد و موجب فساد باشد حاکم می‌تواند از آن صرف‌نظر نماید. در این زمینه بیان شده است: "امام می‌تواند درباره برخی از حقوق الهی که در مورد آنها حد خاصی معین نشده، در صورت مصلحت و نیز درحالی که منجر به تجری متخلف نگردد، از اجرای تعزیر چشم‌پوشی کند و می‌توان این نکته را از اطلاق آیات و روایات فراوانی که در خصوص عفو و اغماض از خطاها وارد شده استنباط کرد" (منتظری، ۱۳۷۰: ۴۸۴). تعزیر برای سخت‌گیری در مجازات نیست، بلکه بیشتر برای تنبیه و آگاهی دادن به مجرم انجام می‌گیرد.

به هر حال توجه به این نظریه فقهی یعنی عدم اجرای حد در زمان غیبت می‌تواند خیلی از مشکلاتی را که هم‌اکنون دستگاه قضایی در خصوص نحوه اجرای حدود با آن درگیر است، برطرف کند. این نظریه علاوه بر اینکه دارای پشتوانه فقهی است، مورد تأیید و استقبال برخی اندیشمندان مسلمان هم قرار گرفته است. از جمله یکی از صاحب‌نظران که معتقد به توجیه اجتماعی این نظریه است، گفته است: "به نظر می‌رسد بزرگانی همچون مرحوم مدرس که با دستخط شریف قانون مجازات در زمان خودشان را مغایر با شریعت دانسته‌اند و عملاً اجازه

داده‌اند که در موارد جرایم مستوجب حد، عقوبات شرعی اجرا نگردد، همین گونه فکر می‌کرده‌اند" (محقق داماد، ۱۳۷۹: ۲۸۹).

نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران عضو پنج کنوانسیون از ۹ کنوانسیون بین‌المللی حقوق بشر است. از این رو متعهد به رعایت آنهاست. از دیدگاه شورای حقوق بشر (کمیسیون حقوق بشر سابق)، ایران به برخی از تعهدات حقوق بشری خود ناشی از این معاهدات پایبند نیست. این عدم پایبندی از نظر کمیسیون قبلی و شورای فعلی حقوق بشر به حدی است که آنها را وادار به انتخاب گزارشگر ویژه حقوق بشر برای اعلام وضعیت حقوق بشر در ایران کرده است. از مطالعه تمامی گزارش‌های گزارشگران حقوق بشر و صورت‌جلسات یو. پی. آر. در مورد ایران این مطلب قابل استنباط است که محور عمده این نقض تعهدات حقوق بشری مواردی همچون برخورد حکومت با اقلیت‌های مذهبی به خصوص جامعه بهایان، وجود مواردی همچون شکنجه و مجازات مستوجب حدود مانند سنگسار (که در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تلطیف شده است)، فقدان تعریف و مصادیق جرایم سیاسی (با توجه به اینکه لایحه مصوب جرم سیاسی ۱۳۹۴ هنوز به قانون تبدیل نشده است) و نیز جرم‌انگاری جرایمی در تضاد با اصل آزادی بیان است. فرضیه این مقاله که در متن مقاله هم بررسی شد، این است که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از پتانسیل‌های موجود در آموزه‌های دینی و قانون اساسی استفاده کرده و عمده محورهای موارد نقض حقوق بشر به شرح مذکور را از گزارش گزارشگران حذف کند. شکنجه هم مورد تقبیح آموزه‌های دینی قرار گرفته و هم به شدت مورد منع اصل ۳۸ قانون اساسی قرار گرفته است، به نحوی که علاوه بر تکلیف قانون اساسی نسبت به مقنن عادی برای جرم‌انگاری آن، تمامی اقرارهای به دست آمده از طریق شکنجه هم بنا به نص صریح اصل ۳۸ قانون اساسی باطل و غیرقابل استناد است؛ بنابراین از این نظر می‌توان با عمل دقیق به آموزه‌های دینی و اصل ۳۸ قانون اساسی شاهد حذف این مورد از گزارش گزارشگران ویژه بود. در مورد جرم‌انگاری اعمالی مانند فعالیت تبلیغی علیه نظام موضوع ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ و نیز عدم تفکیک جرایم سیاسی از جرایم امنیتی و به طور کلی عدم شناسایی جرم سیاسی هم می‌توان از طریق توسل به همین مبانی از جمله سیره حضرت علی (ع) در برخورد با مخالفان، اصل مهم امر به معروف و نهی از منکر که جلوه عمده آن امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به حکومت است [که مورد تأیید و تأکید اصل ۸ قانون اساسی هم قرار گرفته است] و نیز اصول اساسی و مهم دیگر قانون اساسی از جمله اصل ۹ تا حدودی به طور موقت خلأهای قانونی را پوشاند. اما در مورد وجود مجازات‌هایی مانند سنگسار یا رجم برخورد

بنیادی تری از جمله توسل به نظریه فقهای که اجرای حد در زمان غیبت را جایز نمی‌دانند، لازم است. به هر حال می‌توان با بهره‌گیری از پتانسیل‌های موجود، راه تقابل را بست و راهی مناسب‌تر (تعامل) را گشود. از همه مهم‌تر نمایندگان ایران باید ضمن پرهیز از مجادله، در استدلال‌های خود به تفاوت‌های فرهنگی اشاره کرده و به صورت دقیق آنها را برای کشورهای عضو شورای حقوق بشر تبیین کنند. بدین ترتیب پیشنهاد مشخص مقاله آن است که اولاً قوه مقننه در اصلاح قوانین موجود و تصویب قوانین جدید که مغایر موازین حقوق بشری است، با توجه به زمینه‌های موجود تأمل و تدقیق بیشتری به خرج دهد. ثانیاً دولت ایران از موضع استدلالی و اقناعی، تعامل بیشتری با شورای حقوق بشر به خرج دهد و حداقل فرایند اجرایی ۱۳۰ توصیه پذیرفته شده پو پی آر را تسریع کند. ثالثاً، مستندات احکام صادره توسط قوه قضاییه در مواردی که مخل امنیت ملی نباشد با شفافیت در اختیار مقامات ذی‌ربط قرار گیرد تا راه برداشت‌های نادرست مسدود شود.

منابع

الف) فارسی

۱. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۷۹)، *حقوق جزای عمومی*، ج ۱، تهران، میزان، چ اول.
۲. استفانی، گاستون؛ لواسور، ژرژ؛ بولوک، برنار (۱۳۷۷)، *حقوق جزای عمومی*، ترجمه حسن دادبان، ج ۱، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، چ اول.
۳. افشاری، رضا (۱۳۷۹، ۱۳۸۰)، «نقض حقوق بشر بهائیان در جمهور اسلامی ایران»، *ایران نامه*، ش ۷۴-۷۳.
۴. امیدی، علی (۱۳۸۸)، *حقوق بین‌الملل از نظریه تا عمل*، تهران، میزان.
۵. پوربافرانی، حسن (۱۳۹۴)، *حقوق جزای اختصاصی جرائم علیه اشخاص (صدمات جسمانی)*، تهران، جنگل، ویراست دوم، چ دوم.
۶. ----- (۱۳۹۳)، *حقوق جزای بین‌الملل*، تهران، جنگل، چ هفتم.
۷. شریفیان، جمشید (۱۳۸۰)، *راهبرد جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر در سازمان ملل متحد*، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، وزارت امور خارجه.
۸. صانعی، پرویز (۱۳۷۱) *حقوق جزای عمومی*، ج ۱، تهران، گنج دانش، چ چهارم.
۹. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۲)، *آزادی‌های عمومی و حقوق بشر*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۹)، *قواعد فقه*، ج ۴، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چ اول.
۱۱. مهرپور، حسین (۱۳۷۷)، *نظام بین‌المللی حقوق بشر*، تهران، اطلاعات.

۱۲. ----- (۱۳۷۴)، حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، تهران، اطلاعات.
۱۳. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۶)، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، میزان، چ‌دهم.
۱۴. میرترابی سعید (۱۳۷۹)، رژیم شاه و سازمان‌های حقوق بشر، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۵. منتظری، حسینعلی (۱۳۷۰)، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ج ۳، ترجمه و تقریر محمود صلواتی، قم، نشر تفکر، چ اول.
۱۶. نجیب حسنی، محمود (۱۹۸۴)، قانون العقوبات اللبنانی، القسم العام، بیروت، دار النهضة العربیه.
۱۷. والاس، ربکا (۱۳۸۷)، حقوق بین‌الملل، ترجمه سید قاسم زمانی و مهناز بهراملو، تهران، شهر دانش، چ دوم.

مقالات

۱۸. آقایی داود (۱۳۸۲)، «کارنامه کمیسیون حقوق بشر درباره ایران (پس از پیروزی انقلاب اسلامی)»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۶.
۱۹. تقی‌زاده انصاری، مصطفی (۱۳۸۷)، «شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد»، فصلنامه اندیشه‌های حقوق خصوصی، سال پنجم، ش سیزدهم، پاییز و زمستان.
۲۰. حبیب‌زاده، محمدجعفر و محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۴)، «اصل قانونی بودن جرم و مجازات در حقوق ایران»، نشریه دانشگاه شاهد، سال سوم، ش ۹ و ۱۰.
۲۱. حبیب‌زاده، محمدجعفر و موسوی مجاب، سید درید (۱۳۸۵) «تحلیل جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، مجله فقه و حقوق، ش ۹، تابستان.
۲۲. خبرآنلاین، (سوم تیر ۱۳۹۰)، «حضور گزارشگر ویژه حقوق بشر در ایران با فتنه همراه است»، در: <http://www.khabaronline.ir/detail/159078>
۲۳. خرازی، فردین (۱۳۸۶)، «شورای حقوق بشر و راهبردهایی در خصوص نحوه تعامل جمهوری اسلامی ایران»، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
۲۴. ذاکریان مهدی (۱۳۸۹)، «ایران و جهان شمولی قواعد بنیادین حقوق بشر»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، ش ۳.
۲۵. ستاد حقوق بشر (۲۱ مهر ۱۳۹۱)، «بیانیه وزارت امور خارجه در واکنش به گزارش سوم احمد شهید»، در: <http://www.humanrights-iran.ir/news-28098.aspx>

۲۶. ستاد حقوق بشر (۱۷مهر ۱۳۹۰)، «گزارش احمد شهید درباره حقوق بشر ایران کاملاً براساس اغراض سیاسی است»، در <http://www.humanrights-iran.ir/news-22661.aspx>
۲۷. ستاد حقوق بشر (۲۲/اسفند/۱۳۹۰)، «گزارشگر ویژه حقوق بشر کیست»، در: <http://www.humanrights-iran.ir/news-24555.aspx>
۲۸. سجادیپور، محمدکاظم و محمدی فاطمه (۱۳۸۸)، «ابعاد بین‌المللی حقوق بشر و حاکمیت دولت‌ها؛ مطالعه موردی: تحلیل قطعنامه‌های سازمان ملل در مورد حقوق بشر ایران (۱۳۸۸-۱۳۵۸)»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهارم، ش ۲.
۲۹. شادان، رها (۱۳۹۳)، «ایران و نهادهای حقوق بشری سازمان ملل»، http://www.ihrr.org/wp-content/uploads/ihrr/articles/2014/10/2457_un-fa_iran-and-human-rights-organs-of-the-united-nations.pdf
۳۰. شریفیان، جمشید (۱۳۸۱)، «کمیسیون حقوق بشر ۲۰۰۲ و جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، سال شانزدهم، ش ۲، تابستان.
۳۱. شیخی، محمدباقر (۱۳۸۹)، «نظری بر جایگاه حقوقی شورای حقوق بشر ملل متحد»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، ش ۱، بهار.
۳۲. عباسی اشلقی، مجید (۱۳۸۳)، «تحول نظری مفهوم حقوق بشر و جایگاه آن در روابط بین‌الملل»، دوماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۲۰۲-۲۰۱، خرداد و تیر.
۳۳. کریمی خوزانیعلی و صنعتگران محب علی عطیه (۱۳۸۴)، «درنگی در کارنامه ۲۰۰۴-۱۹۸۲ کمیسیون حقوق بشر و جمهوری اسلامی ایران»، مجله راهبرد، ش ۳۷، پاییز.
۳۴. مهرپور، حسین (۱۳۸۱)، «اجلاس کمیسیون حقوق بشر و رد قطعنامه علیه ایران»، فصلنامه راهبرد، ش ۲۳.
۳۵. مهدویان، حسن (۱۳۸۵)، «برپایی شورای حقوق بشر: گام نخست در اصلاح ساختار سازمان ملل متحد»، دوفصلنامه اطلاعات سیاسی، اقتصادی، ش ۲۲۴-۲۲۳، فروردین و اردیبهشت.
۳۶. هاشمی، سید محمد (۱۳۷۱)، «تحلیل حقوقی حرایم سیاسی و مطبوعاتی»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۰، بهار و تابستان.

اسناد فارسی و لاتین و استفتائات

۳۷. اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ م، در: <http://www.unic-ir.org/p2unic.php?pg=19>
۳۸. «اعلامیه وین و برنامه عملی کنفرانس جهانی حقوق بشر (۱۳۸۲)»، مجله حقوقی، ش ۲۸.
۳۹. «اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲ با صدور قطعنامه A/47/135»، در: <http://www.unic-ir.org/hr/hr24.pdf>

۴۰. «اعلامیه درباره همه اشکال نارواداری و تبعیض مبتنی بر دین یا اعتقاد مصوب ۲۵ نوامبر ۱۹۸۱ مجمع عمومی با صدور قطعنامه A/36/55».
۴۱. پاسخ حضرت آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، به استفتاء آقای حسن پوربافرانی به شماره ۲۱۸ مورخ ۱۳۷۷/۵/۶.
۴۲. سند A/HRC/14/12, 2010 در: مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد، قابل دسترسی در: <http://www.unic-ir.org>
۴۳. «قطعنامه (A/66/251) مجمع عمومی سازمان ملل متحد در خصوص تشکیل شورای حقوق بشر مصوب ۱۵ مارس ۲۰۰۶».
۴۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۴۵. قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۵).
۴۶. قانون مدنی (مصوب ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۰۷ با اصلاحات بعدی).
۴۷. قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲).
۴۸. «کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تزدیلی مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴»، در: <http://www.unic-ir.org/hr/hr40.pdf>
۴۹. «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶»، در: <http://www.unic-ir.org/hr/convenant-cp.htm>

ب) انگلیسی

50. Baha'i International Community (2014), "Unfulfilled Promises", at: <http://www.archive.bic.org/>
51. Charlesworth, Hilary and Emma Larking (Ed.), Human Rights and the Universal Periodic Review: Rituals and Ritualism, Cambridge University Press.
52. Mayers, Ann Elizabeth (1999), "Islamic Law and Human Rights: Conundrums and Equivocations", in Religion and Human Rights: Competing Claims?, by Carrie Gustafson, Peter H. Juviler (Columbia University Seminar Series).
53. "Report on the Human Rights Situation in Islamic Republic of Iran" (1996), at: E/CN.4/1996/95/Add2.pp3-24
54. "Report on the Human Rights Situation in Islamic Republic of Iran (1996)", at: E/CN.4/1996/39/Add2E.pp2-12
55. "Report on the Human Rights Situation in Islamic Republic of Iran (1985)", at: E/CN.4/1985/20
56. "Report of the Working Group on the Universal Periodic Review (2014)", Human Rights Council, UPR, at: <http://www.ohchr.org/EN/HRBodies/UPR/Pages/IRSession20.aspx>
57. Ross, Jeffrey Ian (2000), Varieties of State Crime and its Control, Monsey: Criminal Justice Press.
58. United Nations Yearbook on Human Rights, 1947.

59. U.N/CHR/5(I)/16Feb1946.
60. U.N/CHR/ (XII)/1956 Part1.
61. U.N/ Eco soc/ 1235 (XLII)/ 1967
62. U.N/Eco soc/1503(XLVIII)/1970

گزارش‌ها و مصوبات سازمان ملل متحد

گزارش‌های احمد شهید

63. A/66/374, A/HRC/19/66, A/67/369, A/HRC/22/56, A/68/503, A/HRC/25/61

وبسایت گزارشگر ویژه احمد شهید

64. <http://shaheedoniran.org/farsi/dr-shaheeds-work/latest-reports/>

گزارش‌های بان کی مون

65. A/63/459, A/64/357, A/65/370, A/HRC/16/75, A/66/361, A/HRC/19/82, A/67/327, A/HRC/22/48, A/68/377.

اسناد منتشره توسط شورای حقوق بشر

66. A/HRC/16/9, A/HRC/22/23, A/HRC/25/24, A/HRC/WG.6/7/L.11, A/HRC/16/9

قطعه‌نامه‌های مجمع عمومی

67. A/RES/40/141, A/RES/41/159, A/RES/42/136, A/RES/43/137, A/RES/44/163, A/RES/45/173, A/RES/47/166, A/RES/48/145, A/RES/49/202, A/RES/50/188, A/RES/51/107, A/RES/52/142, A/RES/53/158, A/RES/54/177, A/RES/55/144, A/RES/56/171, A/RES/58/195, A/RES/59/205, A/RES/60/171, A/RES/61/176, A/RES/62/168, A/RES/63/191, A/RES/64/176, A/RES/65/226, A/RES/66/175, A/RES/67/182, A/RES/68/184.